

نقش و تأثیر عناصر چهارگانه طبیعت در طراحی

باغ عباس آباد بهشهر

محمد اعظم زاده

استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده ی هنر و معماری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

A.Azamzadeh@yahoo.com

ندا شفیقی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا

چکیده

شناسایی چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش می تواند ما را به درک مقاصد بشر در شکل دهی جهان مادی راهنمایی کرده و افکار، فرهنگ و نگرش گذشتگان را روشن سازد. ایرانیان با بهره گیری از ویژگی های این ارکان چهارگانه چنان در راه اندیشه و طراحی ایده های خلاق گام برداشته اند که توانستند معماری و مجموعه میراث فرهنگی را در گذر زمان از این منبع سیراب کنند. مجموعه تفریحی عباس آباد بهشهر (مازندران) به عنوان یک باغ - جزیره باقیمانده از دوره صفویه، علاوه بر شاخصه های طبیعی و تاریخی اش از عناصر چهارگانه و مفاهیم نمادین آن به شکلی ویژه بهره برده است. از این رو جستار حاضر با هدف واکاوی عناصر نمادین چهارگانه در مهمترین باغ غیر کویری ایران به شناخت بیشتر شناسایی چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش می تواند ما را به درک مقاصد بشر در شکل دهی جهان مادی راهنمایی کرده و افکار، فرهنگ و نگرش گذشتگان را روشن سازد. ایرانیان با بهره گیری از ویژگی های این ارکان چهارگانه چنان در راه اندیشه و طراحی ایده های خلاق گام برداشته اند که توانستند معماری و مجموعه میراث فرهنگی را در گذر زمان از این منبع سیراب کنند. مجموعه تفریحی عباس آباد بهشهر (مازندران) به عنوان یک باغ - جزیره باقیمانده از دوره صفویه، علاوه بر شاخصه های طبیعی و تاریخی اش از عناصر چهارگانه و مفاهیم نمادین آن به شکلی اینباغ، ویژگی های ارکان تشکیل دهنده و معنایابی آنها پرداخته تا از طریق آن به شناخت نمادگرایی از طبیعت نائل گردد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات آن از طریق رجوع به منابع کتابخانه ای و مشاهده مستقیم گردآوری شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان میدهد که آب بعنوان مهمترین رکن از ارکان اربعه در عباس آباد باعث ایجاد لذت و مظهری از تداوم حیات شده و دیگر عناصر و اجزا را به یکدیگر پیوند میدهد. پس از آن، خاک به عنوان عنصر حیات بخش، محل رویش، مکان باروری و

زندگی بوده که با تجلیات گوناگونش به طور غیرمستقیم و ضمنی موجب تأمل بیننده و پرورش قوای شهودی می شود. بنای چارطاقی روی دریاچه، ترکیب خطوط افقی و عمودی پلان باغ و منظره‌ای که به چهار جهت اشراف دارد به عنصر آتش اشاره میکند. باد نیز با شاخصه نمادین سیالیت روح، توازن و پویایی را در فضای باغ می گستراند و در نهایت اتحاد این عناصر، هویت و بقای مجموعه عباس آباد و حفظ طبیعت خدادادی آن را در طی سالیان به دنبال داشته است.

واژه های کلیدی

عناصر چهارگانه، نماد، باغ ایرانی، عباس آباد، بهشهر.

آب، باد، خاک و آتش بعنوان عناصر چهارگانه تشکیل دهنده ی جهان مادی، گاه مستقل و مفرد و گاه ترکیبی ظاهر شده و هر کدام ویژگی متفاوتی ارائه می دهند. این عناصر نماد پاکی و سرچشمه‌زندگی در هستی بوده و به همین علت دارای اهمیت هستند. انسان از ویژگی های این ارکان چهارگانه در راه اندیشه و طراحی ایده های خلاق بهره برده است چنانکه معماری و مجموعه میراث فرهنگی ایران در گذر زمان از این منبع سیراب شده است. رابطه ی ایرانیان با طبیعت و عناصر تشکیل دهنده ی آن نیز از گذشته تاکنون رابطه ای براساس احترام به طبیعت و همزیستی با آن بوده‌است. این تفکر زمین را ملک خدا می دانست، آب مقدس بود و گیاهان هر یک به عنوان نعمت الهی شناخته می شدند از آنجا که «هدف کلی باغ ایرانی حصول همنشینی انسان با طبیعت است که به صورت کشتی دیرینه در نهاد انسان ها وجود دارد.» (دانشدوست، ۱۳۶۹، ۲۱۴) در عصر صفویه که از آن بعنوان یکی از ادوار مهم ایجاد باغ ایرانی نام می‌برند، باغ سازی نماد قدرت شاه و تسلط خاندان سلطنت بود. یکی از نقاطی که در دستور کار شاهان صفوی قرار داشت، اشرف البلاد - بهشهر امروزی - بوده که در زمان شاه عباس اول به رونق و آبادانی رسید. مجموعه تاریخی عباس آباد بهشهر که تفرجگاه خصوصی و خانوادگی صفویان بود، تلفیقی از تاریخ، طبیعت و سازه های انسانی است که مسیر را جهت تحلیل و واکاوی عناصر اربعه و نمودهای مرتبط به آن می گشاید. از این رو، جستار پیش رودر پی پاسخ به این پرسش ها است که نقش و تأثیر عناصر چهارگانه در طراحی باغ عباس آباد چگونه قابل تبیین بوده و سعی بر کشف معانی اصیل و واکاوی نمادین چهارگانه ها در یکی از مهمترین باغ های غیر کویری ایران دارد. درخصوص طرح سؤال فوق این فرضیه را می توان بیان کرد که به نظر می رسد مجموعه تاریخی باغ عباس آباد در روند طراحی و تکامل خود از این نگرش سود جسته و حضور عناصر اربعه در باغ مورد نظر در کیفیت، هویت و وحدت بخشی آن اثرگذار بوده اما این میزان اثرگذاری در اجزای طراحی و ترکیب بندی فضا، متفاوت انعکاس یافته است.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با باغ عباس آباد و ویژگی های آن پژوهش های متعددی صورت پذیرفته که عمدتاً از نگاه منظر و معماری بوده است که از آن جمله میتوان به رساله ی دکتری وحید حیدرنتاج با عنوان «هنجار شکل یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر، نمونه های موردی: باغ های بهشهر» (۱۳۸۹) اشاره کرد که مقاله ای نیز در همین راستا با نام «بررسی نقش آب و منظر در باغ عباس آباد» (۱۳۹۳) تدوین کرده است و در آن ضمن معرفی این مجموعه به ارائه ینقش دید، منظر و حضور آب در طراحی باغ پرداخته است. «روند شکل گیری مجموعه باغ های تاریخی بهشهر» عنوان دیگر پژوهش مرتبط با نوشتار پیش رو است که به مطالعه ی باغهای تاریخی بهشهر پرداخته و سیر تحول تغییرات را بر آنها پیگیری کرده و در نهایت نقشه هایی جهت سیستم آبرسانی و مجموعه باغ ها ارائه داده است. «چشمه عمارت عباس آباد» نوشته ی علی اکبر سرفراز و زینب آزمون (۱۳۸۳) نیز بنای مستقر بر روی دریاچه باغ عباس آباد، مشخصه ها و چگونگی کارکرد آن را بر اساس کاوش های میدانی نگارنده ی اول بررسی نموده است. تنها سابقه یافت شده از عناصر اربعه که در باغ ایرانی مد نظر قرار گرفته شده باشد، پایان نامه سیما منصوری با عنوان «چگونگی کیفیت فضایی باغ ایرانی

در ارتباط با چهارگانه ها» (۱۳۸۳) است که مطالعه موردی آن بر روی باغ فین کاشان میباشد. با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش مستقلی پیرامون موضوع مقاله حاضر صورت نپذیرفته است بر همین اساس این نوشتار سعی دارد نخستین مدخل جهت ورود به پژوهش‌های گسترده تر در این باره باشد.

روش تحقیق

این مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات لازم با استفاده از منابع کتابخانه ای و مشاهده مستقیم جمع آوری گردیده است. تحقیق در بستر تاریخی و از طریق تحلیل محتوا صورت گرفته که در تجزیه و تحلیل عناصر آن از روش استقرای علمی استفاده شده، به این معنی که با کنار هم قرار دادن اطلاعات جزئی نتایج کلی تر حاصل گشته است. درخصوص جامعه و نمونه آماری می توان گفت که در این پژوهش سعی شده سه نمونه فضای باغ مانند بنای چشمه عمارت، فضای مرکزی باغ عباس اباد و باغ همایون تپه معرفی تا بدینوسیله درک ملموس تری از مباحث تحقیق و تحلیل برای خواننده فراهم شود.

واژه نماد و درآمدی بر عناصر اربعه

نمادها از آنجا که دارای معانی ضمنی هستند به لایه های معنایی فراتر از خود اشاره دارند و پیوسته در حال فربه شدن و معنازایی اند، چرا که نماد زاده ی درهم فشردگی و جابجایی و ترجمان ناخودآگاهی روان آدمی است و این درهم فشردگی در عرصه رban واسازی می شود و معناهای متعدد را القا می کند. در نمادها این قابلیت وجود دارد که رابطه ی ما را با جهان بیرون تحت تاثیر قرار دهد به همین دلیل ملت های دارای فرهنگ ریشه دار، استوار و پرمایه از نمادهایی گستره تر و همیق تر برخوردارند مانند نماد کبوتر که علاوه بر القای صلح و دوستی در ترسیم و تحقق واقعیت صلح و سازگاری نیز می تواند موثر باشد. نمادها دارای هویت جمعی هستند و از آنجا که وحدت کلی دارند از لازمه ی پذیرش جمعی نیز برخوردار شده اند. همچنین از آنجا که ماهیتی مبهم و چند مدلولی دارند بستری مساعد جهت تولید معنی و تفسیر به شمار می آیند و چگونگی ارتباط ما را با پیرامون و اشیا و فرآیندها متحول می سازند (قبادی، ۱۳۷۴: ۴۷).

درخصوص عناصر اربعه می توان گفت که «جمع عنصر و در لغت به معنای «اصل»، «بن» و «ماده» است و در علم شیمی به جسمی گفته می شود که به هیچ وجه قابل تجزیه به عنصر دیگر نباشد و با وسایل عادی به عنصر دیگر تبدیل نشود» (معین، ۱۳۷۸، ذیل واژه). گاهی به عناصر اربعه چهار آخشیش نیز گفته اند. «آخشیش، عنصر، طبع در زبان حکمت مقابل صورت، مجازاً ضدیت، معادات، جنگ، چهار آخشیش، عناصر اربعه یعنی خاک، آب و باد و آتش و عناصر به معنی نقیض و ضد و مخالف باشد؛ و هر یک از عناصر اربعه را نیز گویند به اعتبار ضدیت و بعضی گویند آخشیش، معرب آخشیش با گاف فارسی است.» (خلف تبریزی، ۱۳۴۲، ذیل واژه) به عناصر اربعه امهات اربعه (مادران چهارگانه) نیز می گویند که ازدواج آنها با اباء سبعة (پدران هفت گانه یا همان هفت ستاره) مولید ثلاث (فرزندان سه گانه نبات، جماد و حیوان) به وجود می آید. عناصر ثقیل (ثقیله) مراد دو عنصر خاک و آب است و عناصر خفیف (خفیفه) مراد دو عنصر هوا و آتش است (معین، ۱۳۷۸، ذیل واژه عناصر اربعه).

همه ی موجودات و اجسام عالم ماده از آنچه امروز آنها را زنده یا غیر زنده می نامیم، از چهار عنصر (ارکان) بر پا شده اند. این چهار در واقع نه عنصر به معنای امروزی بلکه جواهری بسیط و شفاف اند که حامل چهار کیفیت اند که همه ی موجودات در این چهار کیفیت مشترک اند. از همین رو به اینها کیفیات مشترک نیز می گویند (ابن سینا، ۱۳۸۳، ۲۷). این چهار کیفیت عبارتند از: گرمی و سردی و خشکی و تری که در کنار عناصر اربعه بصورت جدول شماره ۱ معنا می شوند:

جدول شماره ی ۱: کیفیت عناصر اربعه، مأخذ: نگارندگان

آتش	جسمی که گرم و خشک است و سبکی مطلق دارد.
هوا	جسمی که گرم و مرطوب است و سبکی نسبی دارد.
آب	جسمی که سرد و مرطوب است و سنگینی نسبی دارد.
خاک(زمین)	جسمی که سرد و خشک است و سنگینی مطلق دارد.

پیشینیان متأثر از باورهای اساطیری کهن، معتقد بودند که جهان از اتحاد چهار عنصر متضاد شکل گرفته است؛ عناصری که از روابط متنی بر دافعه و جاذبه میان خود، دو جفت متقابل را تشکیل می دادند. آنها با توجه به اینکه از لحاظ طبیعی آتش را گرم و خشک، هوا را گرم و مرطوب، آب را سرد و مرطوب و زمین را سرد و خشک می دانستند، به دنبال آن چنین پنداشته بودند که آتش و آب تشکیل یک جفت از اضداد را می دهند، همچنان که هوا (باد) و زمین (خاک) نیز همین تقارن را تکرار می کنند (stevens,1990, 68).

باغ های تاریخی مازندران

باغ ایرانی یکی از محمل های ارائه باورهای ایرانی - اسلامی است که «مولفه های ذهنی محیط زندگی ایرانیان همچون دین، آیین، فرهنگ، قدسیت، اقلیم و عملکرد در آفرینش زیبایی های آن قابل مشاهده است. محصول تعامل عوامل یاد شده، نظامی از زیبایی شناسی دوگانه است. از یک سو مبتنی بر ادراک محسوس و لذت آفرینی برای حواس انسان است و از سوی دیگر شخصیتی نمادین و نشانه ای دارد.» (منصوری، ۱۳۸۴، ۶۰)

پیشینه باغ سازی ایرانی در مازندران به زمان حسام الدین اردشیر - حاکم سلسله محلی باوندیان - در قرن پنجم برمیگردد. اوبه ساخت چهل و دو باغ کوشک - باغ سلطنتی اقدام کرد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ۱۲۲) که این روند در دوره های بعد ادامه نمی یابد تا اینکه با به قدرت رسیدن صفویان سنت باغ سازی به رشد قابل ملاحظه ای می رسد (نقوی و دیگران، ۱۳۹۳، ۸۰). یکی از نقاطی که به دلیل حاصلخیزی خاک و برخورداری از اقلیم معتدل همواره مورد توجه صاحب منصبان بوده، کرانه جنوبی دریای مازندران است. این توجه در دوره ی شاه عباس بیشتر میشود چرا که این منطقه بعنوان زادگاه مادر شاه، در مقابل پایتخت سیاسی - اصفهان - از اعتبار بیشتری برخوردار می گردد. در این میان باغ های بسیاری در منطقه از جمله در شهرهای آمل، بارفروش (بابل امروزی)، ساری و بهشهر احداث گشت که به عنوان تفرج گاه های شاهان صفوی مورد استفاده قرار می گرفت که در این میان فرح آباد و اشرف (بهشهر) از پر رفت و آمدترین این اماکن بودند که باغهایی نیز در آنجا ساخته شد. اسکندر بیگ، منشی شاه عباس در کتاب عالم آرای عباسی در ذکر آثار احداث عمارات در خطه مازندران می نویسد:

«... و در مازندران جنت نشان احداث فرح آباد جنت نهاد در کنار دریا و پل عالی و عمارات عالی که در هر باغ ترتیب یافته از حیث شمار بیرون است. دولت خانه و بازارگاه و حمامات و باغات فرح بخش جنت مثال در آن بلده جنت نشان طرح انداخته... و عمارت و باغات مرغوب واقعه در ساری و آمل و دریاچه و عمارات عالیه بارفروش ده و در اشرف خان های به تکلف به زیب

و باغ و چشمه و حوض خانه که در بالاخانه عمارات باغ مذکور ترتیب یافته، مشتمل بر تالارها و ایوان ها و دریاچه و فواره ها و حمام و باغچه فردوس نما که از نظاره ی آنها دیده عقل را حیرت افزا است.» (اسکندریک، ۱۳۸۳، ۱۱۱۱) این نوشته بیانگر این است که این منطقه به غایت نیکو و به سان بهشت بوده و آرایش باغ در آن به مثابه ساخت بهشت در بهشت تلقی شده است.

مجموعه باغ های بهشهر

بهشهر با مساحت ۲۸۵۸ کیلومتر مربع در استان مازندران و در ۴۵ کیلومتری شرق ساری قرار گرفته که ارتفاع آن از سطح دریای آزاد حدوداً ۵۰ متر است و تا دریا ۱۴ کیلومتر فاصله دارد. این شهر در دامنه ارتفاعات البرز که پوشیده از جنگل می باشد به گونه ای قرار گرفته که تا نصف فضای جنوبی آن جنگلی و کوهستان و بقیه جلگه و خاکی است و در آن کشاورزی به سهولت انجام می گیرد (سرفراز و آزمون، ۱۳۸۳، ۴۳).

هسته اولیه این شهر در سال ۱۰۲۷ ه.ق شامل باغ های شاهی و تعداد کمی خانه و یک خیابان اصلی بود طوریکه وقتی پیترو دلاواله^۱ در آن سال وارد اشرف شد آن را چنین توصیف کرد: «اطراف این شهر باز است و جز قصر شاهی و باغ های مربوط به آن و یک خیابان پر از دکان و خانه های چندی که بدون نظم و ترتیب در وسط درختان ساخته شده و اطراف آنها را زمین های وسیعی احاطه کرده دیگر چیزی در آن وجود ندارد.» (دلاواله، ۱۳۸۰، ۶۴۱).

آثار بر جای مانده از باغ های تاریخی بهشهر که غالباً به دوره صفویه تعلق دارند، در حدی است که تصویری مبهم از چگونگی ساخت آنها به دست می دهد. لیکن در خلال برخی نوشته های تاریخی و سفرنامه ها می توان شکوه و عظمت دوران اولیه ی آنها را تجسم کرد. این باغ ها یکی از زیباترین مجموعه های احدثی شاه عباس بودند که در نقشه ی فعلی بهشهر می توان منطقه ی باغ های شاهی و بقایای برخی اجزای تشکیل دهنده ی آن را باز شناخت. باغ های بهشهر را می توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. مجموعه باغ های اشرف در داخل شهر شامل هفت باغ در کنار هم.

۲. باغ همایون تپه در شمال بهشهر در مسیر منتهی به دریا.

۳. مجموعه ی عباس آباد به عنوان تفرجگاه شاه عباس.

در سال ۱۰۲۱ ه.ق شاه عباس اول همانند برخی پادشاهان دوره های پیش از خود، شیفته ی جذابیت و چشم اندازهای خاص منطقه شده و به آبادانی و رونق شهرهای آن همت گمارد، تا جاییکه اشرف البلاد را به یکی از شهرهای اصلی کشور تبدیل نمود. بهشهر دارای خصوصیات منحصر بفردی بود که از آن جمله میتوان به نزدیکی کوه و دریا، پوشش گیاهی غنی و زیبای منطقه، وجود شبه جزیره ی میانکاله، نزدیکی به محل تولد مادر شاه و نیز نزدیکی به فرح آباد که شکارگاه شاه بوده، اشاره کرد. از دیگر عوامل جلب توجه شاه به این منطقه دلایل سیاسی و نظامی بوده که سیاست عدم تمرکز در پایتخت و توجه به سایر شهرهای ایران خاصه مازندران و استر آباد - دروازه های شمالی و شمال شرقی ایران در آن زمان - از مهمترین آنها محسوب میگردد (مصباح نمینی، ۱۳۸۳، ۵۷). از دیگر دلایل ذکر شده برای توجه بیش حد شاه به این شهر میتوان گفت که شاه عباس علاقه ی فراوانی به رستنی ها، باغبانی و کشت و زرع داشت تا جایی که هر ساله رنج سفر را به جان می خرید و از مسیر صعب رسیدن به عباس آباد گذر می کرد تا به آرامش و کامیابی برسد. توجه شاه به سرسبزی تا اندازه ای بود که نمی خواست بدون حضور او حتی درختی کاشته شود. از منظری دیگر نباید مهم ترین نقش کارکردی عباس آباد را به عنوان باغی سکونت گاهی و تفریحی نادیده گرفت؛ جایگاهی برای استراحت شاه که به آب روان، هوای دلپذیر و خنک و سایه سار درختان آن پناه می برد و شب نشینی های

تابستانه و مجالس تفریحی خود را در آن برگزار می نمود. باغی که فضای طبیعی و انسانی آن چنان در هم تنیده اند که تفکیک آنها به سهولت امکان پذیر نیست.

عباس آباد اگرچه باغ میوه نبود اما احتمالاً می توان در تعدد درختان خودروی آن نمونه های محصول دهنده را یافت همچنین نباید از سویی قابلیت زیبایی شناسانه و لذت بخش رستنی های باغ و از سوی دیگر شخصیت نمادین آنها را فراموش کرد. مجموع این عوامل زندگی و حیات باغ را رقم می زد به گونه ای که امروزه علیرغم تخریب و فرسودگی فضای اولیه، عباس آباد همچنان به دلیل برخورداری از مناظر بدیع طبیعی اش مقصد گردشگری پر رونقی است.

بنابر دلایل ذکر شده، شاه عباس فرمان به ساخت مجموعه باغ هایی در اشرف داد، وقتی دلاواله وارد اشرف شد تردید داشت که آن را شهری در میان جنگل بنویسد و یا جنگلی که به علت سکونت افراد حالت شهری به خود گرفته است. «در این محل چشمه های آب شیرین و زلال زیاد است و به اندازه ای درخت در آنجا وجود دارد که خانه ها در میان آنها گم شده است» (ستوده، ۱۳۶۶، ۶۱۸)

مجموعه باغ های بهشهر در ارتباط با یکدیگر و در خدمت شاه بودند. «شاه عباس از باغ شاه برای سرگرمی استفاده می کرد، همان گونه که سر توماس هربرت^۲ و سایر مهمانان توصیف کرده اند تفریحات در کوشک های باغ، بیشتر به عیاشی شباهت داشتند تا ضیافت های سلطنتی.» (Moynihan, 1982, 63) ارتباط و پیوستگی تنها به مجموعه باغ های داخل شهر ختم نمی شد بلکه راه های شاه عباسی، این مجموعه باغ و مجموعه عباس آباد را چون دانه های تسبیحی به هم متصل می کردند. یک راه سنگفرش پس از عبور از چشمه عمارت به التپه می رفت و از آن به مجموعه عباس آباد می رسید. در بالای تپه ای مسلط بر شهر در زمان شاه عباس دوم کاخ صفی آباد بنا شد، این کاخ نه تنها ارتباط عناصر قبلی را تضعیف نکرد بلکه خود نیز به این مجموعه پیوست. در نهایت این مجموعه، نقش زیبایی از باغ در باغ را به وجود آورد که در عین کثرت، وحدت در آن دیده می شود (مصباح نمینی، ۱۳۸۳، ۵۷).

معرفی باغ عباس آباد

گذشته از بناها و کاخ های ارزشمند به یادگار مانده از دوره صفویه در شهرستان بهشهر، مجموعه تفریحی عباس آباد بدلیل داشتن چشمه عمارت، از نظر نوع عملکرد مجموعه ای منحصر به فرد به شمار می رود. این مجموعه به لحاظ ارتفاعی، آب و هوای مطبوعتری داشته و کاملاً مسلط بر مناظر اطراف نیز بوده است.

این مجموعه ی تاریخی به فاصله ۹ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بهشهر و بر فراز ارتفاعات البرز و در دل جنگل انبوه واقع گردیده است. از نظر موقعیت مکانی از شمال به روستای التپه و سارو، از غرب به اراضی جنگلی و کشاورزی روستای علی تپه، از جنوب به رشته کوه های جهان مورا و روستای های فرا دست ییلاقی هزار جریب بهشهر و از شرق به جاده روستای پاسند و هزار جریب محدود می گردد (موسوی نسب، ۱۳۸۵، ۱۷).

اسکندر بیک ترکمان از کاربرد تفریحی این مجموعه چنین می نویسد:

«بر کنار دریاچه که از آب زلال سرشار بود، چراغ ها چیده و از فروغ و روشنایی آن بر صفای آب افزودند شاه به جزیره (ساختمان وسط آب) رفت و در تالار بنای خود به بزم و شادمانی نشست.» (اسکندربیک، ۱۳۸۳، ۱۱۱) (تصویر ۱)



تصویر ۱. بنای چشمه عمارت عباس آباد. ماخذ: (۹۷/۰۲/۶) www.behshahr.ir

این باغ علاوه بر دریاچه شامل سد، چهار طاقی، حمام، باغ، محوطه گل باغ، دو برج آجری، آسیاب آبی، کاخ احتمالی پادشاهان صفوی و جاده های سنگ فرش ورودی به مجموعه می باشد.

هربرت از کاخ این مجموعه در حدود سیصد سال قبل یعنی بلافاصله پس از اتمام ساختمان آن دیدن کرده و خاطر نشان ساخته که "کاخ مزبور به خاطر منظره بدیع و زیبا و مجسمه ها و تابلوهای آب و رنگ و بیشه ای که انواع و اقسام وسایل بازی و تفریح در آن موجود است، مافوق یک کاخ بیلاقی است و از کاخ های دیگر شاه عباس عالی تر است." (عسگری، ۱۳۵۰، ۲۱۸) نکته جالب توجه در باغ عباس آباد، شیب دو طرفه آن است که در همین راستا از دو منظره ی زیبا یعنی استخر در نزدیکی باغ و دیگری منظره ی دور دست دشت بهشهر و میانکاله برخوردار میگردد. امتیاز موقعیت طبیعی و توپوگرافی، زمینه را برای ایجاد دریاچه در مجموعه فراهم کرده است (تصویر ۲).

با توجه به کاربرد سلطنتی این پردیس در عهد صفویه، در نوشته ها و سفرنامه های جهانگردان به ایران سفر کرده در آن زمان، کمتر میتوان به نوشته ای درباره ی این منطقه دست یافت. این امر نشان می دهد که مجموعه ی عباس آباد، گردشگاه خصوصی پادشاهان صفوی بوده که بیگانگان به آن راه نیافته اند.



تصویر ۲. پانوراما از باغ عباس آباد. ماخذ: (۱۳۹۷/۱/۶) www.fa.wikipedia.org

عناصر اربعه در باغ عباس آباد

عناصر چهارگانه گاه مستقل و مفرد و گاه ترکیبی ظاهر می شدند و هر کدام ویژگی متفاوتی ارائه می دادند. این عناصر به دلیل اینکه نماد پاکی و سرچشمه ی زندگی در هستی محسوب میگردند، دارای اهمیت هستند. تلفیق تاریخ، طبیعت و سازه های انسانی در باغ های ایران مسیر را جهت تحلیل و واکاوی عناصر اربعه و نمودهای مرتبط به آن می گشاید. نمادینگی عنصر آب در عباس آباد

به علت وجود آب فراوان در چشمه عمارت عباس آباد سعی بر آن شده تا از این نعمت با ارزش استفاده های بهینه ای شود. لذا زیر ساخت های معمارانه ای از قبیل چشمه عمارت، سد، محوطه توزیع آب گل باغ، حمام، برج آجری، کاخ، حوض ها و جوی های انتقال آب را می توان در ارتباط تنگاتنگ با این عنصر مشاهده کرد. واژه چشمه عمارت تعبیر و مصادیق مختلفی دارد. چشمه عمارت بنایی است که آب را مانند چشمه جوشانده و در جریان و فوران آب نقش ایفا می کند کهباغ عباس آباد این کارایی را داشته است (سرفراز و آزمون، ۱۳۸۴، ۴۴). «سر ریز آب حوض مرکزی از طریق آب نمای سنگی و جوی های کم عمق به دیگر نقاط و طبقات صفا فرستاده می شد. می توان تصور کرد که انتقال آب به طبقات پایین و ایجاد آبشارها و آب نماها همراه با صدای امواج، دل انگیز و گوش نواز بود.» (حیدرنتاج، ۱۳۸۹، ۹۳). بر بالای چشمه عمارت آثار فواره و حوض موجود است که نظر هر بیننده را به خود جلب می نماید. علاوه بر وجود دریاچه در جنوب باغ، حرکت و جوشش آب را به شکل های مختلف در کل باغ می توان دید. در نهایت می توان نقش آب را در باغ عباس آباد این گونه بر شمرد:

استفاده از آب در مقیاس های مختلف، از عناصر آبی خرد گرفته تا پهنه ی وسیع آبی (نهر، آبشار، حوض و دریاچه)، نقش آفرینی این عنصر را در محور اصلی، به عنوان کانون توجه و عنصر زیبا کننده ی محیط قرار میدهد. از ترکیب آب و بنا نیز به نحو احسن و خارق العاده ای (بنای چهارطاقی وسط دریاچه) برای ارائه ی گونه ای از باغ ایرانی با ویژگی های خاص، مشابه باغ - جزیره استفاده شده است (حیدرنتاج، ۱۳۹۳، ۱۱۹) (تصویر ۳).



تصویر ۳. جلوه های آب در عباس آباد. ماخذ: حیدر نتاج، ۱۳۹۳، ۱۱۸.

طبق آنچه که ذکر شد، عباس آباد به صورت باغ آبی و به عبارتی باغ-جزیره میباشد که وجود بنا در وسط دریاچه آن، از اصول زیبایی شناسی باغ در مناطق پر آب نشأت گرفته است (همان، ۱۱۷). آب این مکان جهت گردش آسیابی دربالادست، تأمین آب حمام و همچنین به عنوان منبع ذخیره آب به صورت سد استفاده می شد. نحوه حضور آب - نبض تپنده یباغ - در عباس آباد بسیار گسترده تر از سایر باغ ها است و به سه صورت راکد، روان و فورانی دیده می شد که هر یک مفهومی خاص را تداعی می کنند. در هر کدام از این سه نحوه نمایش، ابزارها و تاسیسات ویژه ای را برای ارائه ی مقصود طراح به کار می بردند: اصلی ترین نمود آب راکد را میتوان در دریاچه مصنوعی میان جنگل مشاهده کرد؛ ضمن آنکه محملی برای چشمه عمارت باغ است. (تصویر ۴). به عبارت دیگر آب این استخر را میتوان به ظاهر راکد دانست چرا که در فصول مختلف سال و برای آبیگری چهره ای متفاوت به خود می گیرد و ارتفاع آن تغییر می کند. سطح آینه ای آب دریاچه، محیط جنگلی اطراف را در خود منعکس می کند و زیبایی های آن را دو چندان به نمایش می گذارد. علاوه بر بازتاب شاعرانه مناظر اطراف و بنای عمارت، عمق آسمان بی کران بر روی زمین نیز در این آب تکرار می شود و مجموع این تصاویر بسط و گسترش فضا را به دنبال دارد.



تصویر ۴. وجود آب راکد در دریاچه، عباس آباد، بهشهر. مأخذ: نگارندگان

حوض نیز در طراحی فضای خارجی سمبل آب راکد بوده است و به عنوان مکانی جهت مکث و ذخیره آب شناخته می شد که بر بالای چشمه عمارت نیز قابل مشاهده است. حوض نماد وحدت، مرکزیت و امنیت آب در هستی و نماد ثبات و پایداری است. «حوض با آب راکد در فضای خارجی منعکس کننده ی آسمان است و به دلیل سکوت متفکرانه و آرامش آب در آن دارای رمز و رازی مبهم است.» (علی پوریان، ۱۳۸۳، ۳۱) آسمانی سرشار از پرتو خورشید که در ورای خود مظهری از تداوم حیات را دارا می باشد. «به عبارتی آب نور جسمیت یافته است. همان تبدیل نشان دیداری به نشان تصویری با حضور آب ساکن در یک فضای بسته.» (طوسی و امامی فر، ۱۳۹۰، ۶۹)

تعبیه حوض در فضای باغ، مرکزی را همچون جهتی مثبت برای تخیل خلاقانه فراهم می آورد (بختیار و اردلان، ۱۳۸۰، ۶۸). وحدت از طریق مرکزیت بسان خانه خدا انتقال پیدا می کند. «وجود حوض در مرکز را می توان نمادی از درون گرایی نیز دانست. زیرا اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می سازد. در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی باطن است.» (نایینی، ۱۳۸۱، ۴۶)

بودن نمادین حوض در باغ ایرانی بی شک بر باورهای آئین کهن مهری استوار است. به این ترتیب که انعکاس نور خورشید به آب در حال خروش حوض (به سبب کارکردن فواره ها)، به نبرد نمادین نور و ظلمت دلالت دارد (خوشنویس، ۱۳۹۰، ۹). در اهمیت به

تابش نور خورشید به آب موج در تفکرات ایرانشهری این نکته نیز قابل ذکر است که مهرپرستان و بعدها زرتشتیان برای انجام نیایش‌های خویش از جهت و زمان تابش خورشید بهره می‌جسته‌اند، همان‌گونه که در آییناسلام نیز چنین است. ایرانیان سعی داشتند نیایشهای خود را در جهت‌ها و زمان‌های خاص به جای آورند؛ با تابش نور خورشید بر سطح آب موج نمایشی از نبرد نور و سایه ایجاد می‌شود که در نیایش‌گاه‌های مهری این نمایش رازگونه مطلوب بوده است (آموزگار، ۱۳۸۱، ۳۲).

ایرانیان حضور آب در باغ را به عنوان نمادی از بهشت مطرح می‌کردند که جزئی از عالم ملکوت به شمار می‌رود و با تغییر مسیر جریان آب و مخفی نمودن آن در بخش‌هایی از راه، تنها شنیدن صدای آن را به بهترین صورت به نمایش می‌گذاشتند. آبشارهای پله پله، سینه کبکی‌ها، آب‌گردان‌ها و نهرها و جوی‌ها همگی عناصری برای نمایش آب جاری بودند. عناصر معماری آب با صدای خود پیام‌های دعوت را به اطراف می‌پراکندند و ساکنان بنا را به سوی خود فرا می‌خواندند. صدای ریزش آب به زمزمه‌ای تبدیل می‌شد که با تمام هیاهویش فضا را تسخیر می‌کرد.

فواره و آبفشان نماد سرچشمه بودند و با جوشش آب به سمت بالا حرکت کلی آب را در پی داشتند. حرکتی که هرگز از عمل خود باز نمی‌ایستد و مسیرهایی را به وجود می‌آورد که همانند راهنمایی در محیط عمل می‌کند و با قرار گرفتن بر روی محور اصلی باعث تشخیص مکان می‌شود. «فواره زدن آب و فرو غلتیدن قطرات آن پیوسته فرشتگانی را متذکر می‌شود که از سر و شانه هم بالا می‌روند. افاضه فواره زاینده دوایر آب با شعاع‌های دم‌افزون، آغازگر دوباره تناوب بسط و قبضی آگاهانه است.» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۶۸) فواره به چشمه‌ای جوشان شبیه است که همانند نور دوایر هم مرکز، پاکی و طهارت را به ارمغان می‌آورد. فواره‌های باغ ایرانی ضمن آنکه طرح و حجم فضای باغ را شکل می‌دهند صدایی شنیدنی دارند. در واقع فواره‌ها، موسیقی فضا محسوب می‌شده‌اند؛ گاه کوتاه و زمزمه‌گر و مانند موسیقی متن، پرکننده و گاه با نشاط و پر هیاهو و شاداب کننده فضای داخلی و خارجی بوده‌اند. فواره تمثیلی از فراز و فرود زندگی است؛ وقتی آب بر خلاف نیروی جاذبه در هوا بالا می‌رود، نمایانگر تسلط انسان بر عناصر طبیعت است (علیپوریان، ۱۳۸۳، ۳۱).

آب هم نماد زندگی و هم مرگ است و انسان را هم به لحاظ جسمی و هم از نظر روحی پاک می‌کند، به عبارتی آب چه در حالت حرکت و چه ساکن، نوازش‌دهنده روح آدمی و آرامش‌بخش بوده است. آب وسیله‌ای برای راحت روح، مایه آرامش و سرزندگی و مظهر روشنایی و پاکی بوده که نشانه‌ای از پایداری زندگی و تداوم حیات است. نمادینگی عنصر خاک در عباس آباد

خاک به عنوان محل رویش، مکان باروری و زندگی گیاه، انسان و همه موجودات همواره در طول تاریخ فرهنگ ایران دارای تقدس و اهمیت بوده است. این عنصر سنگین نماد برکت و نگهداری، منبع سودآوری پدیده‌ها و پرورش‌دهنده است و به عنوان عنصری حیات‌بخش در تمامی باغ‌ها حضوری قطعی دارد و در باغ ایرانی نیز با مظاهری چون زمین، گیاه، سنگ و ... در ارتباط است. عباس آباد نیز، در بستر جنگلی انبوه و بارور به پا شده که از خاکی حاصلخیز و سبزکننده برخوردار است. عنصر خاک در این مکان بیش از باغ‌های کویری ایران نقش تعیین‌کننده در شکل فضا دارد، به گونه‌ای که هم سنگ با گویاترین تبلور وجود سرسبزی، یعنی آب، هویت وجودی و شکل ظاهری باغ را تشکیل داده است. به عبارتی دیگر می‌توان یکی از علل انتخاب این مکان برای احداث باغ را، وجود و فراوانی خاک آن دانست که منجر به پدید آمدن مناظری بدیع شده است و این باغ ایرانی را از دیگر نمونه‌های مشابه اش متمایز و ممتاز می‌کند.

یکی از اجزای کالبدی مرتبط با خاک، زمین است که به مثابه ی مادر و محملی، این عنصر گران را در بر می گیرد و بازسازی بهشت آرمانی بر جان خود را سخاوتمندانه می پذیرد. بدین ترتیب شکل باغ، تحت تاثیر شکل زمین، شیب، اختلاف سطح و موقعیت کلی آن است که عواملی چون قابلیت آبیاری، جنس و ثمربخشی خاک نیز بدان اضافه می شود. از آنجا که خاستگاه باغ ایرانی در دل کویر بود تا بهشتی آرمانی بر روی زمین شبیه سازی شود، احداث باغ عباس آباد در دل جنگل و منطقه یبالقوه ی بهشت نشان، آن را تبدیل به باغ در باغی منحصر به فرد کرده که برای واپسین بار در تاریخ باغ سازی ایران دیده می شود. با توجه به اینکه این باغ در میان جنگلهای انبوه ساخته شده، دارای کرتبندیهای کاملاً منظم و مشابه با آنچه در باغهای حاشیه کویر مشاهده می شود، نیست، اما میتوان تعادل بصری را همانند باغهای فلات مرکزی ایران در ساختار کلی آن مشاهده نمود. الگوی هندسی متفاوت باغ عباس آباد به واسطه ی قرارگیری در دامنه ی تپه باعث آن شده تا شیب زمین علاوه بر اینکه سهولت جاری شدن آب را در سرتاسر فضا رقم میزند، منظره ی باغ را نیز پهنآور و مرتفع کرده است. «اختلاف ارتفاع حدود ۴۰۰ متری با دشت بهشهر، در فاصله یافقی بسیار کم به همراه شکل خاص توپوگرافی در تپه های عباس آباد، موقعیت ممتازی برای ایجاد باغ، جهت بهره گیری از منظر وسیع فراهم کرده است. وجود صفه های عظیم در بخش جنوبی باغ و شمال استخر با دیواره های سنگی، برای ایجاد دید و منظر وسیع تر، یادآور ویژگی های باغ سازی پیش از اسلام است؛ ایده ای که در فرهنگ ایرانی سبب خلق فضاهایی مانند صفه و سکو و احداث بنا بر روی بلندی شده است. ساختار باغ های ایرانی معمولاً به دو صورت است؛ باغ گسترده با مکان یابی بنای اصلی در مرکز باغ یا باغ در زمین شیب دار یک طرفه با احداث بنا در بالاترین نقطه، جهت ایجاد دید و منظر بهتر به صورت باغ-تخت؛ اما نکته یجالب توجه در باغ عباس آباد، شیب دو طرفه یزمین و برخورداری از دو منظر زیبا است که در سایر باغ ها دیده نمی شود؛ اولی منظر دریاچه در جنوب باغ و دیگری منظره ی دور دست دشت بهشهر و میان کاله می باشد. صفه بندی در باغ عباس آباد آن را به صورت باغ تخت دوسویه در آورده است. علاوه بر این در این ناحیه ترکیبی از عناصر طبیعی و صفه های انسان ساخت در کنار هم مجموعه ی بسیار زیبایی از منظر فرهنگی را آفرید.» (منصوری و حیدرنتاج، ۱۳۹۰، ۱۲۰) باغ ایرانی خود به خود واجد ارزشهای والای انسانی است بطوریکه اگر به نقشه ی باغهای کهن و سنتی ایران توجه کنیم این نظام در اکثر آنها مشاهده میگردد. ورودی این باغها پایین است اما پایین الزاماً به معنی زشت، بد یا منفی نیست بلکه در پایین ماندن و متوقف شدن است که مذموم است. لذا از بدو ورود، ناظر متوجه ی این امر شده و خودآگاه متوجه بالا می شود و به دعوت رمزگونه بطراح پاسخ می دهد. در این طراحی ها می توان حرکت مستمر بازدید کنندگان را از پایین به بالا مشاهده نمود (براتی، ۱۳۸۳، ۱۳).

نوع و جنس خاک نیز از عوامل شکل گیری باغ و موثر در خاصیت نمادینگی این عنصر مقدس است. این امر با شناسایی گل ها، درختان و پوشش گیاهی باغ قابل اثبات است چرا که بستر گیاه، خاک است، بدین معنی که گیاه زاده خاک می باشد، بنابراین نقش نمادینش برگرفته از این عنصر است.

«خاک در خود جوهری دارد که با بذری که در آن می نهند می تواند بذر را به درختی تنومند مبدل سازد که هم برای دیگران حیات بخش است و با آنکه پای بسته خاک است، اما سر بر آسمان دارد و هر لحظه به تکامل می رسد و سر انجام به خاک بر می گردد، هم معاد را در دنیای خاک نشان می دهد و هم نشانه معاد حقیقی آخرت است.» (پورجعفر و وثیق، ۱۳۸۷، ۲۶)

گیاه تجلی طبیعت است، نماد رویش و تجدید حیات؛ که حضور پر رنگ و گوناگون آن ویژگی مشترک و اصیل تمامی باغ های ایرانی است، تعریف باغ بدون گیاه امکان پذیر نیست؛ «گیاهان و به طور خاص درخت همراه با آب دو عنصر مقدسی هستند که از مظاهر آنهایتا بوده و در ارتباط با پاکی، باروری، رشد، فراوانی در جهان هستی قرار دارند.» (جوادی، ۱۳۹۲، ۴۵) طبیعت در باغ ایرانی

زمینه ای برای لذت و وسیله ای برای پرورش قوای روحانی، تاملات شهودی و معرفت قلبی فراهم می کند. عباس آباد به واسطه قرارگیری در اقلیمی سبز و جنگلی گوی سبقت را از دیگر همتایان کویری اش ربوده و جلوه ای ممتاز یافته است. در همین راستا مظاهر سرسبزی در آن به وفور یافت می شود که بخش اعظم آن طبیعی و خدادای است. میتوان یکی از دلایل احداث باغ در دل جنگل انبوه را برخورداری از این موهبت بالقوه دانست.

از دیرباز تاکنون درخت بعنوان یکی دیگر از رویدنیهای سر برآورده از خاک، نمادی از قداست آسمانی بهشت بوده و در نقش زمینی اش اهداف سایه اندازی، محصول دهی، تزیین و حفاظت از باغ در مقابل عوامل مخرب طبیعی را دنبال می کرد و به عنوان مهم ترین و اصلی ترین نماد سبزی با ریشه هایی در خاک و شاخه هایی رو به افلاک واسطه ای میان زمین و آسمان بود. در فرهنگ و ادبیات اسلامی نمادی از حکمت خدا در خلقت بوده که هر برگ آن نشانه ای از معرفت و دانشی فوق بشری است. نمونه کاملی از تجمیع وحدت و کثرت؛ چنان که از دانه ای درختی می روید و با شاخه ها و ریشه های فراوان که در پایان چرخه دوباره به زمین بر می گردد. پیوند درخت با حیات آدمی ناگسستنی است. نمود آن در باغ عباس آباد را می توان درانبوه درختان قد بر افراشته ی دورتا دور دریاچه دید که نقطه ثقل باغ ـ بنای چشمه عمارت ـ را در بر گرفته و چونان گوهری گرانبهادر از آن پاسداری می کنند. (تصویر ۵) نکته قابل تأمل در پوشش گیاهی این باغ مجهول ماندن هویت درختان دست کاشت و غیر خودرو احتمالی آن است که یا به دلیل وفور پوشش گیاهی طبیعی در این باغ حضور نداشتند و یا امروزه به علت تخریب فضا و عدم محافظت در خور از بین رفته اند. با این وجود می توان با استناد به الگوی باغ آرایی این دوره، درختان همیشه سبزی را در محور اصلی و ورودی باغ تصور کرد که در دو طرف مسیر منتهی به جزیره کاشته شده بودند و یا متناسب با شکل کرت بندی ها و تقسیمات زمین برای دادن چهره ای منظم و با شکوه به باغ حضور داشتند.



تصویر ۵. انعکاس درختان در آب، باغ تاریخی عباس آباد، بهشهر. مأخذ: نگارندگان

نمادینگی عنصر آتش در عباس آباد

تأثیراتی که آتش بر زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر بر جای گذاشت، موجب شد تا یکی از عناصر قدسی و مینوی تلقی شود و در اسطوره های ملل مختلف خویشتکاری هایی به آن اختصاص یابد که از آفرینندگی تا ویرانگری را شامل می شود. در هر دو صورت چه نماد هستی بخشی باشد و چه نماد سوزاندگی و نابودی مقدس است و با باورهای آیینی پیوند دارد. برخی از این باورهای اساطیری در دوره تاریخی به طور کامل از بین نرفته اند و در ادوار متاخر نفوذ کرده اند از این رو گاهی دیده می شود که در برخی ادیان کارکردهایی به آتش منسوب است. علاوه بر الوهیت و نقشی که در خلقت موجودات دارد وسیله ی آزمودن و تمایز گناهکاران از پاکان نیز میباشد. همچنین نمادی از رستاخیز و پایان دهنده ی هستی است که در آن هنگام، نیکوکاران از آن برائت و پالایش می یابند و بدکاران می سوزند. جاودانگی و باروری نیز از دیگر ویژگی های این آخشیش است که جاودانگی اش در افسانه ی ققنوس و برکت و باروری اش به واسطه ی خاکستری که از آتش باقی می ماند و موجب حاصلخیزی خاک و زایش گیاه می شود، می توان دنبال کرد.

آتش در عرفان نماد معرفت، دانش حقیقی، عشق، آفرینش و... است. در دین زرتشت تجلی خداست و خداوند به شکل نور(که از ملزومات آتش است) بر زرتشت ظهور پیدا می کند. یکی از مظاهر بیرونی آتش چهارطاقیها هستند که به مثابه عنصری مقدس در دوره ساسانی و به رسمیت شناختن دین زرتشتی شاهد ساخت آنها هستیم. از این بنا به عنوان جایگاهی برای استقرار و نگهداری آتش مقدس یاد می شود. چهارطاقی صرفاً ساییانی تزیینی و نمادین بود که با قوس هایی جناغی شکل برای آتش در نظر گرفته می شد. مصداق آن را در بنای چهارطاق چشمه عمارت عباس آباد می بینیم که در راستای سنتی نمادین چنین فرمی را پذیرفته و می توان آن را تظاهر بیرونی و تجسم هنری عنصر آتش دانست. چشمه عمارت عباس آباد بنایی است مکعب شکل که به صورت چارطاقی مضاعفی اجرا شده که در پایه ی وسط به یکدیگر الحاق شده اند. بنابراین در هر یک از فضاهای بنا دو طاق نمای قرینه به چشم می خورد و همه ی هشت طاق نمای چشمه همانند یکدیگر می باشند(حیدرنتاج، ۱۳۹۳، ۱۱۷).

این بنای چارطاقی فضایی است که درون آن تاریک میباشد و انوار خورشید از میان شکاف قوس ها به درون رسوخ می کند. شکل مکعب بنا و ارتباط آن با رقم چهار و نقش چلیپا خود مؤیدی این امر است که این آخشیش بر قالب جسمانی تأکید میکند. همچنین ترکیب خطوط افقی و عمودی پلان و کرت بندی های باغ، چهار حوضچه ی صفه ها و منظری که به چهار جهت اشراف دارد از دیگر مصادیق نقش چلیپا و وابستگی به عدد چهار مقدس و در نتیجه اشاره به عنصر آتش در باغ عباس آباد دارد. علاوه بر دین زرتشت، در باورهای اسلامی نیز یکی از صفات و تعبیری که برای خدا در قرآن به کار رفته، نور است (توبه، ۳۲ و نور، ۳۵) و این تعبیر برای تبیین آشکارگی و شدت ظهور او در هستی است(ابن عربی، ۱۴۲۲، ۷۵). نوری که به واسطه ی درخشش خورشید در لابه لای شاخ و برگ درختان و امواج آب نهرها و دریاچه ی باغ در رفت و آمد است، حضور الهی را در قالبی مادی در این مکان به نمایش می گذارد. علاوه بر آن، آتش و خورشید با یکدیگر پیوند دارند؛ آتش مظهر آتش آسمانی و در واقع خورشیدی زمینی محسوب می شود که همانند چلیپا نشانی از آتش و خورشید روی زمین است. جایگاه باغ عباس آباد نیز در ارتفاع تپه ای مرتفع با شکل رو به صعود شعله های آتش قرابت می یابد. رستنی ها نیز وابسته به آتش هستند و آب هم مکمل آن است. از اتحاد این دو عنصر حیات شکل می گیرد و تجسم بیرونی آن را در همجواری بنای چهارطاقی عباس باد که در آغوش آب استخر استقرار یافته می یابیم. این اجزا در ترکیب با هم نبض هستی را در سرتاسر باغ پدید می آورند و در عین حال بر نقش نمادین آخشیش آتش اشاره دارند. بنا بر گفته ی مورخین شاه عباس هنگامی که شب نشینی های خود را در عمارت میان آب

برگزار می کرد دورتا دور دریاچه مزین به چراغ ها و فانوس هایی می شد که ضمن تامین نور مورد نیاز فضا، منظره ای زیبا را در کنار دریاچه پدید می آوردند و روشنایی محوطه در تلفیق با آب و بنا و طبیعت جلوه ی چشم نوازی را رقم میزد. گرما، روشنایی، تقابل عقل و احساس و واسطه میان خدا و انسان از دیگر ویژگی های آتش است که در باغ های اسلامی نیز هماهنگ با باورهای مذهبی، حضور نمادین مظاهر این عنصر توجیه می گردد.

نمادینگی عنصر باد در عباس آباد

باد قدرتی تغییر ناپذیر و در عین حال متغیر دارد که تحت هیچ نظامی در نمی آید و هیچ چیز در برابر قدرتش مقاومت ندارد. خاصیت باد دو سویه است و مفهومی بی طرف دارد؛ از یک طرف پدید آورنده ی باران و حیات است و از طرف دیگر در قالب بادِ خشمگین به وجود آورنده ی طوفان و مرگ شناخته می شود. تصویری شاعرانه از روح متحرک که می تواند در حرکت اجزای باغ دیده و شنیده شود، صدای ملایم آن محرک حس شنوایی باشد، وزش نسیم آن به بعد زمان تعین بخشد، سیالیت روح و تهویه پذیری را به دنبال داشته باشد و لذت بخشی از فضای دلنشین باغ را در کنار دیگر اجزا تکمیل کند.

باد در عرفان اسلامی نشانه خواست و قدرت الهی است. نمود این آخشپج در تمامی باغ های ایرانی یکسان است که در ترکیب با اجزا و عناصر هویت بخش باغ، بار مکانی و زمانی می یابد. بادی که در کالبد باغ در جریان است با دگرگونی مداوم مسیر حرکت آب، بوته های گیاه و شاخ و برگ درختان را تحت تاثیر قرار می دهد و منجر به برداشتی پویا و غیر ایستا از بهره وری این مکان می شود. این عنصر علاوه بر اینکه آهنگ حیات را می نوازد، در تلطیف هوا نیز مؤثر است. همچون پیامبری با گشتن در فضا، پیام باغ و بوی خوش گل ها و طبیعت را به جاهای دیگر هدیه می برد. انسان ها با بوهای خاصی ارتباط معنوی برقرار می کنند که هر گاه همان رایحه به مشامشان برسد یادآور خاطراتشان است. پراکندن بوی خوش گل های باغ توسط باد نیز یادآوری باغ عدنی است که آدم از آن رانده شده است.

باد در باغ عامل به وجود آمدن فضای میانه، پیدایش باغ های چهار فصل، شفا بخشی، نشان فیوضات الهی، علت حاصلخیزی خاک و رویش گیاه، صفتی جمالی و مظهری از رستاخیز است. «بادی که از منزلگاه باغ بر می خیزد بادی است که از روی آبی که به نظم هندسه ی چهار نهر نشسته است می گذرد. این باد که از فرشتگان سبز باغ می گذرد و بوی این فرشتگان بهشتی را به سمت چهارطاق، محل حضور عنصر آتش، می برد پیام باد رحمت را به مکان حضور نور می رساند.» (منصوری، ۱۳۸۶، ۴۷) چنین جریانی در باغ عباس آباد علاوه بر خاصیت نمادین موجب حرکت و پویایی آب چشمه عمارت و در نتیجه تهویه و تازگی آن می شود. حضور باد در محوطه استقرار آب در باغ، پدید آورنده تصویر رقاصان بنا و درختان در سطح آب است که منظره ای بدیع به دنبال خواهد داشت. پراکندن عطر خوش چوب درختان جنگلی در عباس آباد حسی از آرامش و لذت را به دنبال دارد و در بارور کردن گیاهان نقشی اساسی ایفا می کند. «بنابر آنچه گفته شد گوهر باد عامل زایش، باروری گیاهان و گل های باغ، حاصلخیزی خاک، به جریان در آمدن آب و گردش فصل در زادبوم بسته ی باغ ایرانی و ایجاد باغ های چهار فصل و گردش و تلطیف هواست. به علاوه عامل به وجود آمدن فضای مثالی است که ساحتی از تعلیق و بشارت دهنده ی حضور برکت الهی در باغ ایرانی است. اگر مسافران باغ در باغ وجود، حضوری همیشگی یابند ایزد باد را همنشین فرشتگان (گل ها) باغ می بینند که شفا بخش روح زائران در هنگامه ای است که فرشته ی باد در این منزلگاه در صور اسرافیلی خویش می دمد تا رستاخیزی برای جان زائران و هدایتگر آنان به منزل گاه ملکوت باشد.» (همان، ۴۸)

نتیجه گیری

از آنچه بررسی شد در می یابیم باغ ایرانی در هر دوره علاوه بر آن که تابع شرایط محیط و اقلیم بوده، گفتمان های مسلط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زمان را نیز بازتاب داده است. این اثر ایرانی در تلفیق با باورهای گذشتگان مجموعه ای را به نمایش می گذارد که در عین کاربردی بودن و بهره مندی از عوامل زیبایی شناسانه، مفاهیم ضمنی و نمادین را نیز در خود مستتر می دارد. گرایش به کاربرد نمادین عناصر چهارگانه در باغ به واسطه اهمیت این چهار عنصر به عنوان بارزترین مظاهر طبیعت میباشد که بنا به باور سازندگان و روح دوران، نماینده ای از پاکی و سرچشمه زندگی به شمار می رفتند. به همین منظور و در پاسخ به پرسش مطرح شده و فرضیه ارائه شده در این پژوهش، به این نتیجه میرسیم که برجسته ترین و متمایز کننده ترین رکن از ارکان اربعه در عباس آباد عنصر آب است. چرا که با استقرار وسیع و قابل توجه اش در فضای باغ، ضمن برخورداری از معانی متنوعی همچون پاکی، روشنایی و وحدت بخشی، عامل پیوند دهنده ی میان سایر عناصر و اجزا نیز میباشد و به عنوان جلوه ای عالی از بهشت با نمودها و اشکال گوناگونی که پذیرفته است، تمامی فضای باغ را تحت الشعاع هستی خود قرار داده و بازدیدکنندگان را به سوی خود دعوت می کند. سنجش میزان اثرگذاری عنصر خاک در عباس آباد اگر نگوئیم به اندازه عنصر آب است، کمتر از آن هم نمی تواند باشد چرا که با تجلیاتی متنوع در کنار ویژگی های ذاتی اش نظیر حاصلخیزی، نگهدارندگی، محمل رویش و حیات، اهمیت و اعتبارش را انکار ناپذیر می نماید. این عنصر همچون مادری، اجزای کالبدی مرتبط با خود را با سخاوت در بر گرفته تا اجزایی چون درخت به عنوان جلوه ای از معرفت ظهور کند و یا گیاهان وسیله ی لذت، عامل تأمل و موجب پرورش قوای شهودی بینندگان باغ شوند. اصلی ترین مظهر آتش و قالب جسمانی این آخشیش در عباس آباد نیز در شکل چهارطاقی میان دریاچه قابل شناسایی است که در مناسبتش با چلیپا، عدد چهار، قرابت با فرم مربع و همچنین به عنوان محل نگهداری آتش تعریف می شود. علاوه بر آن، جاودانگی و باروری آتش باعث زایش و حاصلخیزی خاک و رستنی میشود. از سوی دیگر قرارگیری عباس آباد در بالای تپه ای نسبتاً رفیع با فرم بالارونده و صعودی آتش مرتبط است و بار دیگر به حضور ضمنی این رکن در باغ دلالت دارد. بی طرفی و دوسویگی را باید در عنصر باد بازجست چرا که در وزش ملایمش در هیئت نسیم به بُعد زمان اشاره دارد و سیالیت روح، توازن و پویایی را در سرتاسر باغ به جریان می اندازد. عنصری که به مثابه نمودی از رستاخیز از لابلای درختان و گیاهان گذر می کند و ضمن آنکه محرک شنوایی است رایحه ویژه طبیعت باغ را که یادآور بهشت عدن است به مشام می رساند. در نگاهی کلی می توان گفت حضور چشمگیر چهارگانه ها در باغ عباس آباد اصلی ترین عامل تشکیل دهنده معنا و هویت این مکان است به گونه ای که عباس آباد را منزلگاهی جهت تقدیس این گهرهای چهارگانه ساخته اند و همین امر ضمن حفظ طبیعت زیبای منطقه، باعث تداوم و بقای این مجموعه در طول سالیان شده است.

پی نوشت

۱. سیاح مشهور ایتالیایی در سده هفدهم میلادی / یازدهم هجری قمری و نویسنده سفرنامه‌ای درباره ایران، عثمانی و هند.
۲. توماس هربرت (۱۶۸۲-۱۶۰۶ م) از نجیب زادگان و درباریان شاه چارلز اول بود و به واسطه مقامش ماموریتی برای سفر به کشورهای آسیایی به او محول شد. نوشته های او در سفر که در قالب یک سفرنامه منتشر شد حاوی اطلاعات بسیار مفیدی از آن دوران می باشد. توماس از ایران نیز بازدید کرده بود و بخش مهمی از کتابش به کشور ایران اختصاص دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن سینا، حسین ابن عبدا... (۱۳۸۳)، طبیعیات دانشنامه علائی، تصحیح سید محمد مشکوه، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ص ۳۱-۲۷.
- آموزگار، ژاله. ۱۳۸۱. اوستا کتاب مقدس پارسیان. تصحیح کارل فریدریش گلدنر. تهران: نشر اساطیر.
- ابن اسفندیار، بها الدین محمد بن حسن. ۱۳۶۶. تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال، بخش دوم. تهران: نشر کلاله خاور.
- ابن عربی، محمد بن علی. ۱۴۲۲ ه.ق. تفسیر ابن عربی. مترجم رباب سمیر. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- اسکندر بیک منشی، ترکمان. ۱۳۷۷. تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۲. تهران: نشر دنیای کتاب.
- بختیار، لاله و اردلان، نادر. ۱۳۸۰. حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.
- براتی، ناصر. "باغ و باغسازی در فرهنگ ایران و زبان فارسی" باغ نظر. ۱۳۸۳، ۱۳: ۱۵-۳.
- پورجعفر، محمدرضا، وثیق، بهزاد. (۱۳۸۷)، تصویر باغ و عناصر منظر در قرآن با تاکید بر سوره الرحمن، فصلنامه باغ نظر، دوره ۵، ش ۹.
- تقوی، عابد و دیگران. "بازشناسی فضاهاى سلطنتى شهر اشرف البلاد در دوران صفویه و قاجار" دو فصلنامه مطالعات هنر بومی. ۱۳۹۳، ۲: ۷۵-۸۹.
- جوادى، شهره. "بازخوانی روایت باستانی آب و درخت در دوران اسلامی ایران" فصلنامه هنر و تمدن شرق. ۱۳۹۲، ۱: ۴۳-۵۰.
- حیدرنتاج، وحید. ۱۳۸۹. هنجار شکل یابی باغ ایرانی؛ با تاکید بر نمونه های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر، نمونه های موردی: باغ های بهشهر. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران: پردیس هنرهای زیبا.
- حیدر نتاج، وحید. "بررسی نقش آب و منظر در باغ عباس آباد" دو فصلنامه مطالعات هنر بومی. ۱۳۹۳، ۲: ۱۲۴-۱۱۳.
- خلف تبریزی، محمدحسین. ۱۳۴۲. برهان قاطع. به تصحیح محمد معین. تهران: ابن سینا.
- دانش دوست، یعقوب. ۱۳۶۹. باغ های طبس. تهران: سروش.
- دلاواله، پیتر. ۱۳۸۰. سفرنامه پیتر دلاواله. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: قطره.
- ستوده، منوچهر. ۱۳۶۶. از آستارا تا استرآباد. مجلد چهارم. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- سرفراز، علی اکبر و آزمون، زینب. "چشمه عمارت عباس آباد" فصلنامه باغ نظر. ۱۳۸۳، ۲: ۴۴-۴۳.
- طوسی، معصومه و امامی فر، سید نظام الدین. "نمادشناسی و نشانه شناسی عناصر باغ های ایرانی با توجه به عناصر باغ فین کاشان" فصلنامه نگره. ۱۳۹۰، ۱۷: ۷۲-۵۹.
- عسگری، علی بابا. ۱۳۵۰. بهشهر؛ اشرف البلاد. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی ایران چاپ.
- علیپوریان، پونه. "عنصر آب در معماری ایرانی و معماری مدرن" فصلنامه معماری داخلی. ۱۳۸۳، ۳۱.

قبادی، حسینعلی. (۱۳۷۴)، نظری بر نماد شناسی، اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۱۱.

مصباح نمینی، سلماز. "روند شکل گیری مجموعه باغ های تاریخی بهشهر" نشریه باغ نظر. ۱۳۸۳، ۲: ۲۸-۵۵.
معین، محمد. ۱۳۷۸. فرهنگ فارسی. جلد ۲. تهران: امیرکبیر.

منصوری، امیر. "درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی" فصلنامه باغ نظر. ۱۳۸۴، ۳: ۶۳-۵۸.
منصوری، سیما. ۱۳۸۶. کیفیت فضایی باغ ایرانی در ارتباط با چهارگانه ها. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
منصوری، امیر و حیدرنتاج، وحید. "چهارباغ؛ بررسی منشا پیدایش نظریه چهارباغ به عنوان الگوی هنر باغسازی ایرانی" منظر. ۱۳۹۰، ۱۴: ۱۶-۲۴.

میرزا کوچک خوشنویس، احمد. "منظره نمادین باغ ایرانی" فصلنامه منظر. ۱۳۹۰، ۱۵: ۱۱-۶.
موسوی نسب، عبدالوهاب. ۱۳۸۵. باغ در بهشت - کاخ باغ عباس آباد. تهران: گنجینه هنر.
نائینی، فرشته. ۱۳۸۱. حیات در حیاط؛ حیاط در خانه های سنتی ایران. تهران: نزهت.

Moynihan, Elizabeth. (1982) Paradise as a Garden in Iran and Mughal India, Scholar press, London.
Stevens, Anthony. (1990) On Jung, Scholar press, London.